

برساخت اعتقادی تعدیل‌پذیر (مضمون دینداری دانشجویان شیعه در دانشگاه شیراز)*

مهدی پرور*، مجید موحد**

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۴/۰۲، تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۸/۰۲)

چکیده

تحقیق حاضر با نظر به این پرسش به انجام رسیده است که «دینداری نزد دانشجویان شیعه مذهب دانشگاه شیراز چه جایگاهی از نظر مضمونی دارد؟»، استفاده از روش تحلیل مضمون با نمونه‌گیری هدفمند و انجام مصاحبه‌های نیم‌ساخت‌یافته با ۱۲ مرد و ۸ زن ۱۸ تا ۳۰ سال، جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل متن‌های مصاحبه شفاهی و کتبی نشان‌دهنده مفهوم «برساخت اعتقادی تعدیل‌پذیر» در نگاه دانشجویان است. همچنین، مضمون نهایی با مفاهیمی چون کیفیت نهادینه‌سازی تمایه‌های دینداری، کیفیت گرایش به رویه‌های راحت-طلبانه مادی، کیفیت تجربیات از مناسبات و رویه‌های معرفتی سنتی-مدرن، کیفیت مواجهه با قدرت ارزش‌های دین نهادی، کیفیت مواجهه با ابزار و ارزش‌های فرامکانی ناهمخوان با دین نهادی و تأکید بر اعتقادات و باورها، بازتعریف مبانی اعتقادی، دینداری انسان‌محور، دینداری خدامحور و مغالطه دینداری مفهوم‌پردازی شده است. علاوه بر این، نوآوری این تحقیق در زمینه روش تحقیق است. کشف و به‌کارگیری «مدل شبه نظری^۱» و پیشنهاد این

<http://dx.doi.org/10.22034/jsi.2022.113167.1422>

* مقاله علمی: پژوهشی

*. کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی و محقق اجتماعی (نویسنده مسئول)

mehdiparvar@gmail.com

** . استاد گروه آموزشی جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز (با توجه به این‌که در نوشتن این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد بنده (۱۳۹۶) مطالبی استفاده شده است استاد راهنمای آن هم ذکر شده است).

mmvahed@rose.shirazu.ac.ir

^۱ Quasi-theory model

سبک از تحلیل مضمون با نام «تحلیل مضمون شبه نظری»^۱ یک ابتکار در زمینه روش‌های تحقیق کیفی است.

مفاهیم اصلی: تحلیل مضمون، تحلیل مضمون شبه نظری، دین، دینداری.

مقدمه و بیان مسأله

دین از قدیم به‌مثابه یک پدیده اجتماعی نه تنها عاملی بسیار اثرگذار بر زندگی عامه مردم، بلکه چالشی جدی پیش روی اندیشمندان علوم انسانی بوده است. درک مذهب، معنویت، امر متعالی و دین از آن جهت حائز اهمیت بوده است که بسیار تأثیرگذار بر شخصیت، شناخت، احساسات افراد و منجر به پیامدهای فردی و اجتماعی است. هر چند اکثر نظریه‌پردازان کلاسیک جامعه‌شناسی با تئوریزه کردن مناسبات زندگی عصر مدرن از روند افولی تأثیرگذاری دین در مناسبات فردی و اجتماعی سخن به میان آورده‌اند؛ اما امروزه همچنان دین به انحای مختلف در مناسبات انسانی جوامع پدیده‌ای اثرگذار است. شاید مهمترین عامل چالش برانگیز در افول دین در نظر اکثر اندیشمندان «چالش سکولاریزاسیون»^۲ باشد که سال‌ها به‌طور جدی توسط دانشگاهیان در رابطه با دین در جهان مدرن مورد توجه جدی بوده است، اما امروزه به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان «نمایش غیردینی از زندگی از رده خارج و دین عصر جدید به‌عنوان مسئله جدی و دینداری شکل‌های جدیدی به خود گرفته است» (هانینگراف،^۳ ۲۰۰۰: ۳۱۱). هر چند برخی گرایش‌های دینی عصر جدید همچون ظهور گرایش به معنویت در فرهنگ معاصر در شکل‌های مختلف را برخی نشان دهنده «شکست ادیان سازمانیافته» و به طبع افول کارکردهای اجتماعی دین می‌دانند (وارگا^۴، ۲۰۰۷: ۲). همچنان‌که، لاکمن^۵ نیز معتقد است آنچه در دوران مدرن تضعیف می‌شود دینداری نهادی و کلیسایی است، اما خارج از کلیسا، دین همچنان حضور دارد؛ چیزی که او «دین نامرئی» می‌نامد (کلاهی، ۱۳۹۰: ۶۷).

در جامعه امروزی ایران دین نه تنها نامرئی و به حاشیه رانده شده نیست بلکه به واسطه انقلاب اسلامی دین سازمانیافته‌تر از هر دوره‌ای از تاریخ ایران بر روابط و مناسبات فردی و اجتماعی اثرگذار است. با این وجود، جامعه ایران تافته‌ای جدا بافته از جهان معاصر نیست و با وجود اثرگذاری دین

^۱ Quasi-theory of thematic analysis (Q-TTA)

^۲ Secularization

^۳ Hanegraaff

^۴ Ivan Varga

^۵ luckman

در آن، بیش از هر جامعه دیگری خواسته یا ناخواسته با فرایند سکولاریزاسیون وارد چالش شده است. در این شرایط در سطح فردی تحقیقات بسیاری رشد رویه‌های خصوصی دینداری را به همراه دینداری نهادی نشان می‌دهند و در سطح اجتماعی نیز جامعه ایران با هویت منحصر به فرد دینی خود که برخاسته از عقبه تاریخی و بخصوص انقلاب اسلامی است در هجمه‌ی همه جانبه سکولاریسم جهانی قرار گرفته است. چنین شرایطی باعث شده است که دین چه در نزد مردم عادی و مسئولان و چه در نزد قشر فرهیخته و جامعه پژوهشگران ایران به چالشی بسیار مهم و مسئله‌ای بسیار جدی بدل شود؛ فرآیندهای سکولاریزاسیون و نوع خاص اثرگذاری مسلم مناسبات آن بر دین و دینداری از طرفی و نظام سیاسی-اجتماعی دینی و نوع باورها و ارزش‌های آن که در مقایسه با دیگر ادیان دستورالعمل‌های کامل‌تر و همه جانبه‌تری برای زندگی اجتماعی دارد از طرف دیگر، باعث غامض شدن دینداری به عنوان یک مسئله اجتماعی مهم و درخور تحقیق و پژوهش، بخصوص در میان جوانان به عنوان قشر پیشرو جامعه، شده است.

جدای از شرایط امروزی جامعه ایران جوانان و بخصوص جوانان دانشجوی نماینده‌ی قشر مدرن هر جامعه‌ای هستند که با اندیشه‌های نو سروکار دارند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷). در جامعه امروز ایران با وجود تحولات در مناسبات اجتماعی و فرهنگی دینداری آنها شکل‌های متفاوتی به خود گرفته است به گونه‌ای که اکثر تحقیقات انجام شده نیز نشان‌دهنده تفاوت در دینداری‌های جوانان دانشجوی است. از طرفی، ارائه دیدگاه‌های متناقض و متعارض از انواع دینداری جوانان موجب شده است تا «در این دیالکتیک و تزامم رویکردها، دینداری جوانان به امری مسئله‌مند تبدیل شود» (حسن‌پور، ۱۳۹۴: ۱۰۱). در چنین شرایطی در رابطه با دینداری دانشجویان مسئله مهم فهم درست این نکته است که دانشجویان از ارزش‌ها و باورهای دینی چه درک و تفسیری دارند؟ چرا که بنابر پژوهش‌های زیادی که انجام شده: (آزاد ارمکی و گیاثوند؛ ۱۳۸۱، خسروخاور؛ ۲۰۰۷، سراجزاده، شریعتی و صابر؛ ۱۳۸۳، توسلی و مرشدی؛ ۱۳۸۵، فراستخواه؛ ۱۳۸۶، ذوالفقاری؛ ۱۳۸۸ و حسن‌پور؛ ۱۳۹۳)، جوانان ایرانی به شکل‌های متفاوتی به دینداری اهتمام می‌ورزند که بعضاً با آموزه‌های دین رسمی آنها همخوانی ندارد. حال سوال این است که: درک و تفسیر جوانان دانشجوی از ارزش‌ها و باورهای دینی‌شان چیست؟ مضمون‌های تأثیرگذار در نوع تفسیر آنها کدامند؟ و در نهایت اینکه اشتراک مضمون در تفسیر دانشجویان از دینداری چگونه است؟

پیشینه تجربی تحقیق

«شرایط غامض کننده» یا مسئله‌مند کننده دینداری در میان جوانان ایرانی سال‌هاست که باعث جلب توجه پژوهشگران علوم اجتماعی شده است. همچنان که تحقیقات زیادی انجام شده و تحلیل-

های متفاوتی نیز از این شرایط ارائه شده است. در واقع با توجه به شرایط غامض کننده دینداری در جامعه ایران، اندیشمندان علوم اجتماعی خواسته یا ناخواسته با این مسئله اجتماعی مواجهه هستند. با این وجود، تنوع تحقیقات انجام شده و روش‌های بکارگرفته شده در ارتباط با مسئله دینداری جوانان حاکی از پیچیدگی این مسئله در عین اهمیت پژوهشی آن است. در اینجا به برخی تحقیقات انجام شده از سوی صاحب‌نظران این حوزه پرداخته می‌شود.

شجاعی‌زند، شریعتی و خطبه‌سرا (۱۳۸۵) در تحقیقی با هدف بررسی وضعیت دینداری جوانان که با روش کمی و ابزار پرسش‌نامه انجام شد، مدل دینداری شجاعی‌زند را در میان دانشجویان به آزمون گذاشتند. نتایج تحقیق نشانگر این بود که میزان پایبندی دانشجویان به ابعاد مختلف دینداری از پراکندگی قابل توجهی برخوردار است؛ به طوری که پاسخگویان در ابعاد اعتقادات دینی، اخلاق و تکالیف فردی، بیشترین نمره و در عبادت جمعی دانشجویان کمترین نمره را اخذ کردند. همچنین دینداری دانشجویان با ترکیب همه ابعاد و متغیرها بیشتر به سمت متوسط گرایش داشته است به طوری که دینداری ۲۵/۴۵ درصد از آن‌ها متوسط، ۵/۴۱ درصد کم و ۲۵/۱۳ درصد زیاد است. در ضمن در این تحقیق، سه نوع دینداری مبتنی بر شریعت، اجتماعی و باطنی با نسبت‌های متفاوت در بین دانشجویان از هم متمایز شده است.

توسلی و مرشدی (۱۳۸۵) تحقیقی با عنوان «بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان انجام داده اند. در این مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر»، به روش پیمایش مورد بررسی قرار گرفته اند: محققان با بکارگیری مدل نظری «برگر» در مورد دینداری و تمرکز بر سنجش دو بعد اعتقادی و مناسکی دینداری به این نتیجه رسیده بودند که رگه‌هایی از تکثرگرایی، خصوصی شدن و گزینش‌گری نشان‌دهنده دینداری‌هایی از این قبیل در میان دانشجویان است.

فراستخواه (۱۳۸۶)، در تحقیق خود که طی دهه عاشورا و ماه محرم در میان جوانان مناطق مختلف شهر تهران با روش نظریه زمینه‌ای و مضمونی و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق انجام داده است و به این نتیجه رسیده که الگوی دین‌ورزی جوانان در حال تحول عمیق و گسترده است. خصیصه بارز دینداری جوانان از نظر فراستخواه ترکیبی بودن دینداری آنان است.

حسن‌پور (۱۳۹۳)، تحقیقی با عنوان «گونه‌شناسی دینداری جوانان شهر اصفهان» با روش ترکیبی (کیفی و کمی) انجام داده است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده انواع هشت‌گانه‌ای از دینداری جوانان است؛ بدین‌گونه که با تکیه بر مقوله «توجه تام بر ابعاد دینداری» به انواع عبادی، فقهی و توسلی و بر اساس مقوله «خودتشخیصی فرد» نیز به انواع خود مرجع، ترکیبی، قلب‌پاک و اخلاق‌گرا دینداری دست یافته است. همچنین یافته‌های تحقیق او در بخش کمی نشان‌دهنده این است که انواع دینداری از فراوانی خاصی در بین جوانان شهر اصفهان برخوردار هستند.

پژوهش‌های تجربی و تئوریک جامعه‌شناسی نیز در مورد مسئله دینداری به اندازه ابتدایی‌ترین تئوری‌های این رشته قدمت دارند؛ هرچند که، اهم این تحقیقات و مدل‌های تجربی ارائه شده آنها اکثراً مدل‌های اندیشمندان غربی بود است و ملهم از آموزه‌های مسیحی و متأثر از فرآیندهای اجتماعی - تاریخی غرب هستند (شجاعی زند، ۱۳۸۴). اریک فروم^۱ (۱۹۵۰) در کتاب روانکاوی و دین^۲، دین را دو گونه تشخیص می‌دهد: دین خودکامه^۳ و دین انسان‌گرا^۴. به عقیده فروم دینداری که به دین خودکامه گرایش دارند قدرت برتری را بر سرنوشت خود مسلط می‌بینند. ویژگی‌های بارز این نوع دینداران عبارت است از: تسلیم در برابر قدرت مافوق، نظر به رضایت مافوق برای زندگی پس از مرگ، دلواپسی دائمی دیندارن برای پاک شدن و رضایت کامل قدرت مافوق و تسلط بر همه جنبه‌های زندگی دینداران؛ اما او دین انسانگرا را مبتنی بر قدرت منطق دینداران در جهت شناسایی خویشتن می‌داند و ویژگی‌های دینداری خودکامه را متضاد با این موارد بر می‌شمارد.

جان هیک^۵ (۱۹۸۵) در اثر خود «مباحث پلورالیسم دینی»^۶ تنوع جهت‌گیری ادیان را متشکل از انحصارگرایی^۷، شمول‌گرایی^۸ و کثرت‌گرایی^۹ می‌داند. انحصارگرایی، نجات و آزادی بشر را منحصرأ به یک سنت دینی خاص مرتبط می‌سازد، به نحوی که این از جمله عقاید دینی و مباحث ایمان ایشان است که نجات منحصر به همین گروه خاص است و بقیه ابنای بشر یا از معرکه بیرون می‌مانند و یا اینکه به صراحت از قلمرو نجات و رستگاری مستثنی می‌شوند. شمول‌گرایی تنها یک راه برای رستگاری و نجات بشر قائل است و آن را نیز صرفاً در یک دین خاص می‌داند و یا از طریق طرز تلقی پیروان مذهب خاصی درون سنت دینی خاص امکان پذیر می‌داند. کثرت‌گرایی معتقد به تحول و تبدیل وجود انسانی از حالت خودمحوری به حقیقت محوری، به طرق گوناگون در درون همه سنت‌های دینی بزرگ عالم است. بابور (۱۹۶۶) در بررسی رابطه علم و دین اندیشه اسکولاستیک را اندیشه‌ای مبتنی بر عقل و وحی می‌داند که در آن عقل پیشاهنگ و راهگشای ایمان است. او معتقد است به تدریج عقل که در ابتدا تکلمه‌ی وحی شمرده می‌شد، به کلی جای وحی را به عنوان راه گشای معرفت به خداوند گرفت و این امر از طریق تفسیر مجدد مسیحیت از درون حاصل شد. بدین ترتیب بابور به ظهور صور مختلف دینداری در جریان توسعه علم می‌رسد.

¹ Erich Fomm

² psychoanalysis and religion

³ authoritarian religion

⁴ humanistic religion

⁵ John Harwood Hick

⁶ Problems of religious pluralism

⁷ exclusivism

⁸ inclusivism

⁹ pluralism

نگاه تاریخی بابور نشان می‌دهد که با توسعه علم و قوت گرفتن عقل‌گرایی، عرصه دین محدود و محدودتر می‌شود و در نهایت به صورت کامل به تصرف ارزش‌های جدید در می‌آید.

وضعیتی که امروزه بر جامعه ایران حاکم است وضعیتی مشابه قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم اروپا نیست که اهم نظریه‌های آن زمان با توجه به سلطه سکولاریسم از رخت برستن دین حکایت می‌کردند. هر چند که آنچنان دور از ذهن نیست که نتوان با چارچوب نظری اندیشمندانی چون مارکس، وبر، فروم و دیگر اندشمندان کلاسیک به تحلیل آن پرداخت.

اکثر تحقیقات کمی انجام شده از مدل برگر^۱، گلاک و استارک^۲ و هیک^۳ برای سنجش دینداری در ایران استفاده کرده‌اند. برخی اندیشمندان نیز تلاش کرده‌اند با ارائه مدل تجربی و نظری بومی به تبیین وضعیت دینداری جوانان ایرانی پردازند اما همچنان که پیش‌تر آمد تحقیقات انجام شده بر تفاوت مضمون دینداری در قشرهای مختلف جامعه رسیده‌اند.

در تحلیل کیفی مضمون دینداری عدم تبیین حداکثری تحقیقات پیشین به معنای کنارگذاشتن آن‌ها نیست. هر چه از تاریخ مدرنیسم می‌گذرد فرآیندها و مناسبات زندگی اجتماعی پیش از مدرن با تغییرات بیشتری مواجهه می‌شوند. مشخصه بارز این تغییر و تحول در تعاریف و نحوه کارکرد نهادهای اجتماعی مشهود است. برای مثال امروزه در برخی جوامع دو نفر مرد با هم، دو نفر زن و یا یک فرد بزرگسال با یک کودک به عنوان یک خانواده به رسمیت شناخته می‌شوند و یا اینکه دیگربرخی کارکردهای گذشته برای خانواده موضوعیتی ندارد چراکه تعریف نهاد خانواده امروزه تغییر کرده است. اما شکی نیست که مادامی که اساس خانواده با بقای زندگی اجتماعی و تداوم آن رابطه مستقیم داشته باشد خانواده ادامه خواهد داشت. نهاد دین نیز همچون دیگر نهادها از این تغییر و تحولات در امان نمانده است و از طرف دیگر نیز کارکرد خود را برای زندگی اجتماعی از دست نداده است؛ بلکه همچون دیگر نهادها با تغییراتی مواجهه شده است. البته به اشتباه سال-هاست در بسیاری از تحقیقات تغییرات در تعریف و نحوه کارکرد نهاد دین به رخت برستن نهاد دین از جامعه تعبیر شده است؛ تا زمانی که این نگاه بر مسئله دین حاکم باشد فهم درست این مسئله ممکن نخواهد بود. اکثر تحقیقات انجام شده ای که در پیشینه بدان‌ها پرداخته شده یا با تعریف سنتی به دین نگریسته‌اند و یا با تعریفی مدرنیستی از رخت برستن دین از حیات اجتماعی سخن رانده‌اند.

¹ Peter L. Berger

² Glock C. and Stark

³ John Haigh

با توجه به شرایط خاصی که فرآیند دینداری جوانان ایرانی را تحت تاثیر قرار داده به نظر می‌رسد که تعاریف مفاهیم اساسی دینداری و مدل‌هایی که از سوی اندیشمندان غربی ارائه شده، به طور کامل قادر به تبیین فرآیند دینداری بخشی از جوانان ایرانی نیست.

مبانی و چارچوب نظری

دین و دینداری مفاهیمی جدایی‌ناپذیرند. «دین منظومه‌ای است که راهنمای عمل پیروان است و دینداری به کیفیت تحقق آن در زمینه‌ای عینی و واقعی مربوط می‌شود» (اعتمادی فرد، ۱۳۹۴: ۴۱). اصطلاح‌هایی نظیر «اهتمام یا استلزام دینی»^۱، «دلبستگی یا تعلق خاطر دینی»^۲، «نشانه و بروزات دینی»^۳، «برجستگی دینی»^۴، «مسئولیت دینی»^۵، «پیروی و عضویت دینی»^۶، «هویت دینی»^۷ در عین حال که مضمونی از دینداری را منتقل می‌سازند؛ اما بر وجوه و جنبه‌های خاصی از آن تأکید دارند که نمی‌توان از آن‌ها جز در کاربردهای خاص و افاده همان منظور استفاده کرد (شجاعی‌زند، ۱۳۹۳). تعریف دینداری یکی از موضوعات مناقشه برانگیز در بین جامعه‌شناسان دین بوده است. بحث اصلی این بوده که آیا دینداری پدیده‌ای یک بعدی است و یا چند بعدی؟ آلپورت (۱۹۵۰) میان دو نوع نهادی‌شده و درونی‌شده دین، واچ^۸ (۱۹۵۱) بعد مفهومی یا نظری، آیینی یا عملی و جامعه‌شناختی یا جمعی آن، لنسکی^۹ (۱۹۶۱) پای‌بندی به دین اجتماعی و سازمانی و گلاک و استارک^{۱۰} (۱۹۶۵) بین ابعاد اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری و پیامدی دین تمایز گذاشته‌اند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷). به هر حال پایبندی به اعمال به اعتقادهای حمایت‌کننده آن اعمال نزد انسان‌ها بستگی دارد؛ اعتقادهایی که هر انسانی منافع مادی و غیرمادی خود را در آن‌ها دنبال می‌کند. هر چند به خاطر شرایط خاصی، افراد ممکن است به اعمالی متناسب با اعتقاد خود عمل نکنند، همچنان‌که به گفته کمپل^{۱۱} «موقعیت‌ها موانعی هستند که نگرش‌ها پیش از آنکه بتوانند ظهور و بروز یابند، باید از آن‌ها عبور کنند» (محمدرضایی و عابدینی، ۱۳۹۱: ۱۲۸۵: ۸۵). در

¹ Religious Involvement

² Religious Attachment

³ Religious Sign

⁴ Religious Salience

⁵ Religious Responsibility

⁶ Religious Affiliation

⁷ Religious Identity

⁸ Wach

⁹ Lenski

¹⁰ Glock and Stark

¹¹ Campbell

تحقیقات پیرامون دین و نظریه های اندیشمندان پیرامون آن، ابعاد اعتقادی-ایمانی و عبادی-مناسکی به عنوان مهمترین ابعاد در بیشتر مدل های نظری ارائه شده مد نظر بوده است. در این تحقیق نیز مهمترین ابعاد دین که اکثراً آنها را ابعاد اعتقادی - ایمانی و عبادی - مناسکی دانسته اند مد نظر است؛ اما اینکه ذات اعتقاد و ایمان و عبادت و مناسک چه هستند خارج از رویکرد این تحقیق است.

روش شناسی تحقیق

رویکرد «امیک»^۱ این تحقیق تحلیل مضمون (روش تحلیل شبکه‌ای^۲) است که بدون فرضیه های آماده و با هدف توصیف و کشف معانی ذهنی دانشجویان از دینداری شان انجام شده است. جامعه‌ی هدف دانشجویان (۱۸-۳۵ سال) شیعه مذهب (دوازده امامی) دانشگاه شیراز در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و رشته‌های تحصیلی متفاوت است. تعداد نمونه تا پایان تحقیق به ۲۰ نفر (۱۲ زن و ۸ مرد) رسید. با اتخاذ روش نمونه‌گیری هدفمند، از تکنیک‌های مشاهده، مصاحبه نیم‌ساخت یافته (۳۰ الی ۶۰ دقیقه در هر مورد و در صورت لزوم مراجعه مجدد)، برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد؛ فرآیند جمع‌آوری و تجزیه تحلیل داده‌ها نیز به صورت همزمان با روش شبکه مضامین تا رسیدن به خوشه‌بندی مناسب ادامه یافت. همچنین اعتبار داده‌ها و فرآیند تحقیق با استفاده از تجربیات تحقیقات پیشین، رجوع مکرر به میدان تحقیق و مشورت با اساتید زبده در حیطه مورد بررسی حاصل شده است.

یافته‌های تحقیق

نتیجه کدگذاری‌های متون مصاحبه به صورت جدول شبکه‌ای مضامین از این قرار است: (جدول ۱).

جدول ۱: نمایش مفاهیم اصلی و فرعی در شبکه مضامین

مفاهیم اصلی	مفاهیم فرعی	ردیف
نهادینه‌سازی ته‌مایه‌های دینداری	همنوایی با نوع گرایش دینی خانواده، رجوع به آموزه‌های کتب دینی و مراجع برای تحکیم اعتقادات، اماکن دینی کانونی برای تقویت اعتقادات و باورها، تبعیت از ضوابط گفتمانی مدارس، همنوایی با هنجارهای دوستان، مواجهه با نمادها و مناسبات ارزش آفرین محیط اجتماعی، متأثر شدن از فرهنگ‌سازی ابزارهای ترویج گفتمان سیاسی- اجتماعی دینی	۱

¹ Emic

² Thematic network (attridge-stirling, 2001)

ردیف	مفاهیم فرعی	مفاهیم اصلی
۲	در حال زندگی کردن، اولویت لذت و فراغت، معضل خستگی از روزمرگی مناسک دینی، سطحی‌نگری	گرایش به راحت طلبی
۳	چالش احترام به عقاید شخصی با جهت‌گیری متناسب با دین نهادی، تصمیم‌گیری‌های دینی مستقل با رجوع به مراجع دینی، چالش‌های معیشتی و ارزشی سنتی-جدید، گرایش به انتخاب مرجع تقلید آسان‌گیر با گرایش رادیکال به سنت‌های گذشته، تمایل به ارتباط مستقیم با خدا یا وابستگی و توسل به برگزیدگان، آگاهی با دستاوردهای علمی و جو علمی-فرهنگی دانشگاه یا استمرار باورهای دینی، تغییر نگرش با مطالعات و تجارب شخصی با اهتمام پیوسته به سنت‌های گذشته، تمایل به اعمال و مناسک به صورت فردی یا اجتماعی	تجربه مناسبات و رویه‌های معرفتی سنتی - مدرن
۴	نظر به سودمندی اهتمام به اعتقادات و مناسک دین نهادی، جهت‌گیری متناظر با تفاسیر مراجع دین از مسائل مختلف، عدم ابراز رضایت از ضعف واجبات دینی، تلاش در اهتمام به دینداری نهادی	همنوایی با گفتمان مسلط دین نهادی
۵	گسترش ارتباطات و تعاملات فرهنگی-اجتماعی با جوامع مختلف، استفاده از ماهواره و گرایش به ارزش‌های جدید، افزایش آگاهی با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، برابری طلبی جنسیتی و دل‌زدگی از نابرابری‌های جنسیتی، برابری طلبی اجتماعی و دل‌زدگی از مزیت شدن لقب آخوندی	گرایش به ابزار و ارزش‌های ناهمخوان با دین نهادی
۶	اعتقاد به خدای یگانه قادر به عنوان موجودیت برتر، برحق دانستن اطاعت از پیام آوران و امامان، اعتقاد به غیرقابل تغییر بودن اصول دین، نظر به آخرت به عنوان مقصد نهایی زندگی، اعتقاد به عدالت خداوند در دخالت در امور مخلوقات، اعتماد به تفسیر امامان و مبلغان دین در مسائل مختلف	تأکید بر اعتقادات و باورها
۷	اعتقاد به وجود برتر انسانی، تأکید بر درایت شخصی در فهم و گرایش به وجود برتر، اعتقاد به پیشرفت در کمالات انسانی و اجتماعی، نظر به زندگی به عنوان مبدأ و مقصد انسان، اعتقاد به اختیار تام انسانی و عدم اعتقاد به سرنوشت، تأکید بر دستاوردهای علمی در تثبیت شرایط زندگی اجتماعی-انسانی، اعتقاد به عمل و عکس‌العمل، احترام به رضایت شخصی	بازتعریف مبانی اعتقادی
۸	شرکت در مراسم‌های دینی، اهتمام به نماز و روزه برای تقرب به خدا و دوری از شیطان، رجوع به مراجع تقلید، ستایش خداپاوری و تنفر از بی‌خدایی، خدا اولین مرجع توسل در مواقع مشکلات، احساس حضور خدای قادر(دائم المراقبه بودن)، براعت از عذاب آخرت، مبارزه با غرایز حیوانی به امید رستگاری اخروی، ستایش سودمندی عمل دینداران و بی‌زاری از زیان بی‌دینان	دینداری خدامحور
۹	رجوع به وجدان انسانی خود، همنوایی با عمل انساندوستانه، بی‌زاری از عمل غیر انسانی و غیر اجتماعی، کنترل انسانی-اجتماعی بر غرایز خود برای سلامت جسمی، روانی و اجتماعی، اقدام به عمل سودمند و انسانی	دینداری انسان‌محور
۱۰	مذهبی یا غیر مذهبی نمایی وضع ظاهری، اقدام عامدانه به اعمال و مناسک ناخواسته، اقدام اجباری به اعمال و مناسک ناخواسته	مغالطه دینداری

بسط موردی مضامین اصلی:

نهادینه‌سازی ته‌مایه‌های دینداری

مقوله نهادینه‌سازی ته‌مایه‌های دینداری گواه است که گرایش دینی دانشجویان و نوع جهت‌گیری آن‌ها با توجه به این مقوله می‌تواند شبیه قرائتی نزدیک و متأثر از عوامل نهادی ارزش‌ها، باورها، اعمال و مناسک دین نهادی باشد. با این وجود نوع جهت‌گیری و میزان تجانس معرفتی عوامل نهادی همچون «خانواده» به معیارها و ارزش‌های دین نهادی در نوع جهت‌گیری اعتقادی دانشجویان راجع به دین بسیار اثرگذار است. همچنانکه مقوله «همنوایی با هنجارهای خانواده» دربردارنده گویای آن است. یکی از مشارکت‌کنندگان (ش.۲) که خانمی ۱۹ ساله بود، می‌گوید:

«من در خانواده‌ای بزرگ شدم که از اول همچنین اعتقادی داشتند و این قطعاً بر من هم اثر گذاشته است»

همین مشارکت‌کننده در مورد تأثیر دوستان هم این‌طور می‌گوید که: «مثلاً دیشب که ماه رمضان بود درحالی که خودم اصلاً نماز خون و روزه بگیر نیستم با او رفتم مسجد دانشگاه و احیا نشستیم اما در کل با دوستای غیرمذهبی راحت‌ترم... ولی دلیلی هم برای دوست نشدن با مذهبی‌ها نمی‌بینم»

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان (ش.۱۴) که خانمی ۲۸ ساله است چنین می‌گوید:

« پدرم نه درحالی که خودش نمی‌خوانه وقتی ما نماز نمی‌خوانیم ناراحت میشه من خودمم الان نماز رو می‌خوانم اما دیگه مثل بعضیا که پیشونیشونو مهر سیاه کرده نیستم گاهی وقتا نمازم قضا میشه اما در کل دیدگاه مثبتی راجع به این چیزا دارم...»

گرایش به راحت‌طلبی

این مقوله اشاره به عواملی دارد که در زندگی دانشجویان ظرفیت چیرگی بر ارزش‌ها و باورهای دین نهادی را دارند. هرچند این مقوله بی‌ارتباط با ظرفیت‌های غریزی انسان و فرار از قید و بندها نیست. یکی از مفاهیمی که در زیر مقوله «گرایش به راحت‌طلبی» مشارکت‌کنندگان بر آن تأکید می‌کردند «اولویت لذت و فراغت» بود. این مفهوم به میزانی از گرایش به دغدغه‌هایی برای دانشجویان اشاره دارد که گوی سبقت از اعتقادات آخرالزمانی و جهان آخرت را در نظر آنها می‌رباید که در نهایت می‌تواند در اتخاذ نوع استراتژی آنها نیز مؤثر واقع بشود. یکی از مشارکت‌کنندگان (ش.۱) که یک مرد ۱۹ ساله است، می‌گوید:

«اگه الان بخوام برم بیرون تفریح به‌جای اینکه برم شاه چراغ با دوستم میرم یه جایی بگردم... میرم کلاس موسیقی یا چمپدونم با دوستام میرم پارک که یه خورده برام جذابیت هم داشته باشه...»

تجربه مناسبات و رویه‌های معرفتی سنتی - مدرن

سبک زندگی مدرن یکی از چالش‌های جدی پیش روی دین نهادی در اهتمام به باورها و مناسک آن نزد دانشجویان است. مثلاً خصیصه بارز عصر مدرن نگرش علمی به پدیده‌های مختلف است و از آن جا که دانشگاه محل اجتماع دانشمندان و محققان و محور اشاعه‌ی اندیشه علمی است؛ می‌تواند مثالواره‌ی مناسبی برای مدرنیته قلمداد شود که دانشجویان علاوه بر این که در زندگی روزمره خود با دستاوردهای آن مواجهه هستند. یا اینکه؛ رشد گرایش‌های فردی در زندگی شهری و مدرن و سایر رویه‌هایی که هر کدام به نحوی افراد را در معرض رفرم معرفتی اندیشه‌های زندگی اجتماعی سنتی اجدادشان قرار می‌دهند. یکی از مشارکت‌کنندگان که خانمی ۲۸ ساله است در رابطه با مفهوم چالش‌های معیشتی و ارزشی سنتی - جدید می‌گوید:

«به نظرم اینم که میگن نصف دینت با ازدواج کامل میشه درست نیست خیلی‌ها هستن بعد از ازدواجشون چه کارا که نمی‌کنن... که در واقع کار درست را هم انجام میدن».

یا مثلاً مفهوم «تمایل به اعمال و مناسک فردی یا اجتماعی» در نظر مشارکت‌کنندگان گویای این واقعیت است که به دلایل مختلف به مسئله‌ای برای گزینش موضوعیت پیدا کرده بود؛ مثلاً یکی از مشارکت‌کنندگان (ش. ۱۶) که مردی ۲۵ ساله است؛ می‌گوید:

«من ترجیح می‌دهم نماز را فرادا بخوانم... البته من تنها نیستم خیلیا من هستن... حتی در مود مراسمای دیگه یا مسائل دینی هم بیشتر سعی میکنم خودم عمل کنم یا برم یاد بگیرم تا از زبون آخوندا بشنوم...»

همنوایی با گفتمان قدرت دین نهادی

قوانین و عرف را در جامعه کنونی ایران، شریعت برگرفته از دین نهادی احاطه کرده‌است و جامعه‌پذیری با گرایش به معرفت‌های دین نهادی تا حدود زیادی متناظر است. مقوله «همنوایی با گفتمان مسلط دین نهادی» که از نظر مشارکت‌کنندگان استخراج شده است گویای این واقعیت است که زمینه همراهی و گرایش به ارزش‌های دین نهادی یا تقویت و استمرار جهت‌گیری بدانها بسیار مهیاست. اما در شرایط سنی حساسی که جوانان دانشجو قرار دارند برای تثبیت موقعیت اجتماعی خود گرایش به ارزش‌های دین نهادی را بسیار سودمند ارزیابی می‌کنند. مثلاً «عدم ابراز رضایت از ضعف واجبات دینی» یکی از مشارکت‌کنندگان (ش. ۱۲) که مردی ۳۲ ساله است؛ اینچنین می‌گوید:

«به نظرم این زمونه دین حال و روز خوشی نداره... همین دو دقیقه پیش اذون گفته شد ببین چقد دانشجو اونجا جلو مسجد دانشگاه لم دادن و هیچ کس نمیره نماز بخونه و امام جماعت و با سه چهار

نفر تنها رفتن تو مسجد... این یعنی اصلاً نماز یا چیزای دیگه براشون مهم نیست... اصلاً تو کلاس هم فازشون غیرمذهبی... این وضع دین دانشجواس... همه ما از این مسائل خبر داریم... خودمونیم که این کارا رو انجام میدیم... ولی همیشه و همه جاها نمیشه به سادگی از زیر مسائل مذهبی فرار کرد چون پامون گیره... تازه به موقش همین نماز نخونا خیلی رفتار مذهبی نشون میدن...»

گرایش به ابزار و ارزش‌های فرامکانی ناهمخوان با دین نهادی

از جمله مضامین مهم جایگزین برخی ارزش‌ها یا شریعت دین نهادی در نگاه مشارکت‌کنندگان قدرت جهانی شدن و ارزش‌زایی مدرنیته و ابزارهای آن هستند؛ چراکه به دلایلی ارزش‌های سنتی دین نهادی را نزد آن‌ها با چالش‌های جدی مواجهه ساخته است؛ ظهور ابزار و ارزش‌های فرامکانی ناهمخوان با دین نهادی به معنای ظهور ابزار و ارزش‌هایی است که معانی خاصی را برای دانشجویان به همراه داشته است که با دین نهادی همخوانی ندارند.

یکی از مشارکت‌کنندگان (ش. ۱۶) که یک مرد ۲۵ ساله است، می‌گوید: «چیزهایی رو قبول دارم که شاید خلاف دین باشه مثلاً برابری زنان و مردان هستن و نفی چهار زنی رو در هر شرایطی قبول دارم... البته این چیزا رو من از شکم مادر که یاد نگرفتم قبلاً هم از این چیزا خبر نداشتم من با کمک مطالعاتی که داشتم... خب الان شرایطی شده که آدم میتونه همه چی رو ازهرجای دنیا راحت بفهمه مثلاً خارج رفتنم، استفاده از رسانه‌ها توریست‌هایی که میان اینجا و خیلی چیزای دیگه که باعث آگاهی بیشتر آدم میشن» از این گزاره استنباط می‌شود که برابری زن و مرد به‌عنوان یک ارزش عرفی و حقوقی برای مشارکت‌کنندگان مطرح بود که خود یکی از پیامدها و آرمان‌های مدرنیته و زندگی مدرن امروزی است؛ همانند بسیاری از ارزش‌ها و ابزارهایی دیگر که تعدیل‌کننده معانی و الگوهای فرهنگی و دینی مشارکت‌کنندگان شده‌اند و ناشی از شرایط ایجادشده یعنی ابزار و ارزش‌های فرامکانی مدرنیته هستند.

تأکید بر اعتقادات و باورها

اگرچه ظهور ابزار و ارزش‌های جدید می‌تواند تا حدودی تعدیل‌کننده ارزش‌های دین نهادی باشد اما در مقابل سیطره ارزش‌های دین نهادی در جامعه دینی ایران نیز عامل تطبیق دهنده تجربه‌های دینی با مبانی اعتقادی دین نهادی است مقوله «تأکید بر اعتقادات و باورها» بر جایگاه مفهومی و اعتقادی برخی از مشارکت‌کنندگان اشاره دارد که تصدیق‌کننده مواضع دین نهادی و بخشی از معنای دینداری دانشجویان است. مثلاً مفهوم «اعتقاد به غیرقابل تغییر بودن اصول دین» بر این امر مهم از نگاه مشارکت‌کنندگان اشاره دارد که اصول دین (توحید، نبوت، امامت، عدل و

معاد) همیشگی و غیرقابل تغییر هستند و انکار یا تغییر و یا تفسیر مجدد نمی‌پذیرند. یکی از مشارکت‌کنندگان (ش.۱۹) که یک مرد ۲۴ ساله است می‌گوید:

«اصول دین غیرقابل تغییر هستند مثلاً پیامبران از طرف خدا انتخاب شدند و این چیزها رو گفتند و در حکم خدا هم نباید شک کرد»

بازتعریف مبانی اعتقادی

بازتعریف مبانی اعتقادی اشاره به مفهومی دارد که افراد معانی دینداری خود را باز تعریف می‌کنند؛ این مقوله از نظر مشارکت‌کنندگان بیانگر دوری از الگوهای شرعی و مبانی معنایی دین نهادی است. مفهوم «اعتقاد به عمل و عکس‌العمل» در نظر مشارکت‌کنندگان به معنی پیامدهای اعمال برای آنان است که تقریباً با مفهوم «کارما» قرابت معنایی دارد: یکی از مشارکت‌کنندگان (ش.۱۳) که یک مرد ۲۴ ساله بود؛ می‌گفت:

«این خیلی واضح که کار بدی یا خوبی که انجام میدی تاثیرشو صد درصد همون لحظه میبینی... منظورم این نیست که مثلاً آگه تو به این ماشین که اینجاست یه سنگ بندازی و شیشوشو بشکونی اون ماشینم یه سنگ بزنه به تو... همون کار یه احساس مخرب در تو ایجاد می‌کنه که عواقب منفی برات به بار میاره... با این کار نفس خودتو لکه‌دار میکنی و پیامد بدشو بعداً بیشتر میبینی»

یکی از مشارکت‌کنندگان (ش.۶) که یک خانم ۱۹ ساله بود؛ می‌گفت:

«در مورد برخی کارا اصلاً منظورم این نیست که گناه کرده‌ام و بعدش میرم جهنم... تصور اینکه کسی همین کارو با خودم بکنه منو عذاب میده برا همین انجام نمیدم»

دینداری خدامحور

مفهوم خداوند در تفاوت معنایی دینداری مشارکت‌کنندگان نقش محوری دارد و این نقش در دینداری خدامحور حائز اهمیت بنیادی است. در این نوع دینداری مفهوم خدا به‌عنوان یک مرجع مقدس مطرح است که بنیان اعتقادات، مناسک و همه معانی مقدس بر آن استوار است. وجه مشترک و انضمامی تمام مفاهیمی که فحوائی مقوله «دینداری خدامحور» را می‌رسانند و از نوع عمل و مناسک دینی دانشجویان حکایت دارند مفهوم محوری «خدا» است که نشان‌دهنده وجدان عمل مشترک و دائمی این سنخ دینداران به بندگی آنهاست.

مفهوم «توسل به خدا در مواقع مشکلات» که از فراوانی زیادی در بین مشارکت‌کنندگان برخوردار بود، رجوع بیشتر به خدا در مواقع نیاز بود که البته تنها در رجوع مستقیم به خدا خلاصه

نمی‌شود و رجوع به واسطه‌ها مثلاً امام‌زاده‌ها برای ارتباط با خدا در زمان نیاز به‌منظور یاری خواستن بسیار مورد تأکید بود. یکی از مشارکت‌کنندگان (ش.۵) که یک خانم ۲۷ ساله بود؛ می‌گفت:

«خدا به موقع جواب میدهد، من خودم در مواقع گرفتاری که بر خدا توسل کردم همیشه جواب گرفتم مثلاً همین چند وقت پیش من تمام پول خرجییم تمام شده بود و نمی‌تونستم به کسی هم بگم فقط به خدا توکل کردم و یه جوری اون پول به دست من رسید که خودم هرگز بهش فک نمی‌کردم...»

دینداری انسان‌محور

در دینداری انسان‌محور، اعتقادات مقدس و قابل احترام به انسان و خصیصه‌های برتر او ارجاع داده می‌شوند توانایی‌هایی که می‌تواند در وجود هر انسان وجود داشته باشند «توانایی‌هایی که اعتقادات مقدسی هستند؛ در وجود هر انسان می‌توانند باشند و استمرار داشته باشند» وجه مشترک و انضمامی تمام مفاهیمی که معنای مفهوم دینداری انسان‌محور را می‌رساند از نوعی مضمون دینداری نزد دانشجویان حکایت دارد که بر محوریت «انسان» استوار است. در واقع در نظر این افراد انسانی که انسان‌وار زندگی می‌کند باید عملی انسانی، نظری انسانی و روح و روانی انسانی داشته باشد.

برخی از دانشجویان وجود خدا را در معنای سنتی آن می‌پذیرند اما از قبول اینکه در جریان امور زندگی دخالت کند سر باز می‌زنند و معتقد هستند خداوند مفهومی است شامل تمام اعمالی که آن‌ها شایسته می‌دانند و یا افرادی که وجود خدا را انکار می‌کنند و معتقد هستند انسان در طبیعت خود ظرفیت خوبی و بدی را به یک اندازه دارد و به میزانی که انسان بر خوبی‌ها اعتقاد داشته و عمل کند به «انسانیت» نزدیک می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان (ش.۱) که یک مرد ۱۹ ساله بود؛ می‌گفت:

«خدای من مثل یک متر می‌مونه که من خودمو با اون اندازه‌گیری می‌کنم ... اگه من بتونم هرچه بیشتر از این اندازه رو به خودم اختصاص بدم به صفات برتر اون نزدیکتر می‌شوم ... عبادت دینی من همین است»

مغالطه^۱ دینداری

مغالطه قضیه‌ای است که مقدمات آن با نتایج آن به لحاظ محتوایی استدلال منطقی همخوان نیست، ولی به صورت ظاهری همخوانی دارند. معنای مفهوم مغالطه دینداری در این تحقیق بدین صورت است که افراد ممکن است در ظاهر به دینداری عمل کنند اما این عمل با مبانی اعتقادی آنها همخوانی نداشته باشد.

^۱ Fallacy

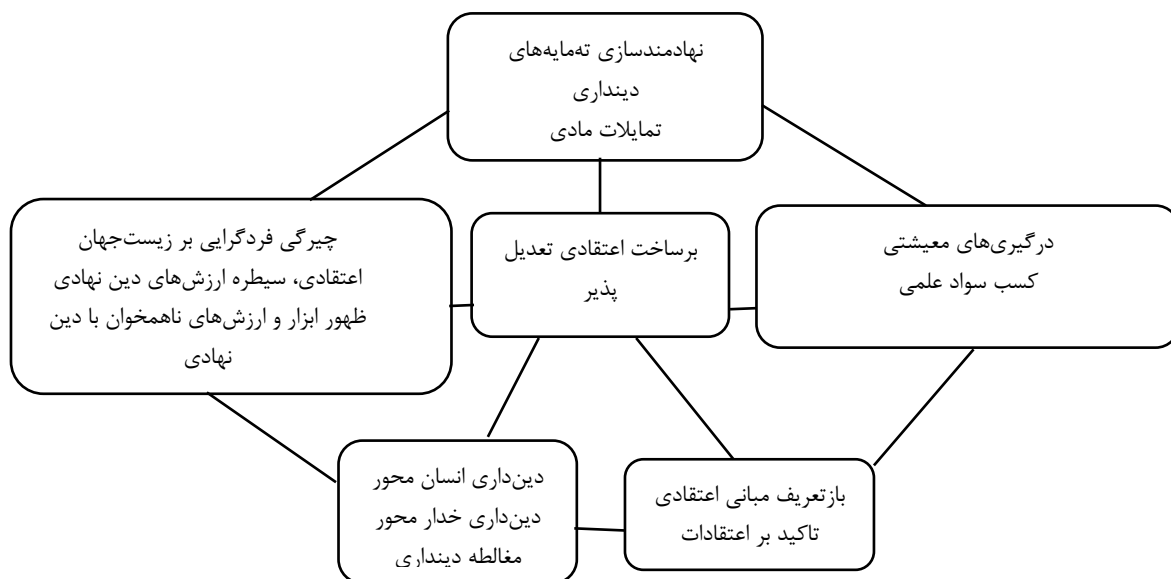
برطبق نگاهی که در این تحقیق به دین شده است مناسک افراد دیندار وابسته به مفروضات اعتقادی آنهاست. مقوله مغالطه دینداری رابطه‌ای پارادوکسیکال را نشان می‌دهد که طی آن افراد به‌رغم میل باطنی و مبانی اعتقادی‌شان ممکن بود به اعمال، رفتار و مناسکی اقدام ورزند.

مفهوم «مذهبی یا غیر مذهبی نمایی وضع ظاهری»، از نظر مشارکت‌کنندگان ناظر بر این معناست که در شرایطی به دلخواه خودشان یا به اجبار مجبور بودند وضع ظاهری متفاوتی با آنچه هستند و دوست دارند، داشته باشند. یکی از مشارکت‌کنندگان (ش. ۱۰) که یک مرد ۲۶ ساله بود چنین می‌گوید:

«من یه دوست دارم که اعتقادی به حجاب نداره ولی تو این دانشگاه یا حتی بیرون تو خیابون باید بپوشه چون مجبوره... خود من اگه بخوام اون چیزایی که واقعاً بشون معتقدم رو انجام بدم جایم تو این جامعه نیست خیلی راحت بگم گاهی وقتا لازمه بعضی کارای مذهبی رو برا اینکه کارت راه بیفته انجام بدی یا بعضی حرفا رو نونی و...»

نقشه مضمونی دینداری دانشجویان

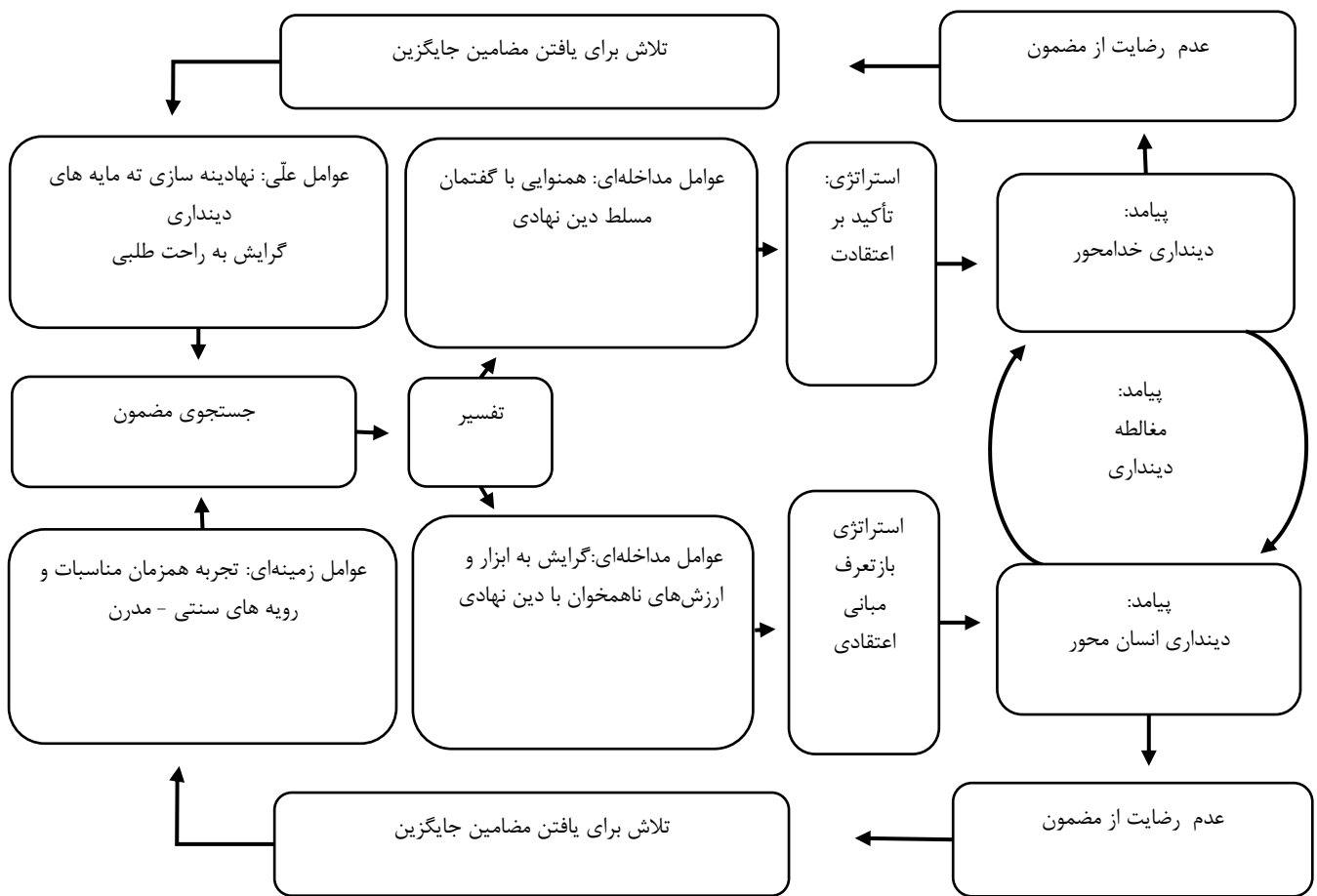
نقشه مضمونی ترسیم شده نشان می‌دهد که مفهوم «برساخت اعتقادی تعدیل‌پذیر» دربردارنده کانون مفهومی دینداری دانشجویان است. این مفهوم بیانگر این است که دانشجویان در عین داشتن تجارب و معانی متفاوت از دینداری اکثراً در این مقوله اشتراک نظر دارند.



نمودار ۱: شبکه مضمونی برساخت دینداری تعدیل‌پذیر

ارائه مدل شبه فرآیندی دینداری دانشجویان

اگر چه تحلیل مضمون به دنبال ردیابی مضامین است اما تا حدود زیادی قابلیت این را دارد که از فرآیند حاکم بر آن پدیده سخن بگوید. بنابراین مدل شبه فرآیندی مضامین این تحقیق بدین صورت است که: با وجود مفاهیمی چون نهادینه‌سازی ته‌مایه‌های معرفتی و گرایش به راحت طلبی در عین تجربه رویه‌ها و مناسبات معرفتی سنتی - مدرن خوانش خاصی در نظر آنها از دینداری شکل می‌گیرد.



نمودار ۲: مدل شبه فرآیندی برساخت اعتقادی تعدیل‌پذیر

همچنین تأکید بر اعتقادات و باورها و بازتعریف مبانی اعتقادی در مرحله‌ای خاص در ارتباط با دیگر مضمون‌ها قابل ردیابی هستند؛ مثلاً کسی که به دلایلی از نماز خواندن، روزه و دیگر مناسک و اعمال توصیه شده خوانش خاصی داشته باشد در مفاهیم دیگر نیز ممکن است تغییرمضمونی خاصی در نظرش اتفاق بیافتد. یا مقوله مغالطه دینداری به مضمونی اشاره دارد که افراد در بکارگیری استراتژی اعتقادی در عمل ممکن است متناقض عمل کنند. در مواقعی افراد معانی متفاوتی با مبانی اعتقادی خود را در نظر می‌گیرند؛ مثلاً مذهبی یا غیر مذهبی نمایی وضع ظاهری، اقدام عامدانه به اعمال و مناسک ناخواسته، اقدام اجباری به اعمال و مناسک ناخواسته، هر کدام مضامین مختلفی را در حیطه مفهوم مغالطه یادآوری می‌کنند ولی از مقوله فرآیندی خاصی نیز حکایت می‌کنند.

قطعا رابطه علی مفاهیم در مدل شبکه‌ای مضامین ترسیم شده مد نظر نیست اما در ارتباط با مدل شبه فرآیندی مضامین می‌توان اینگونه بیان کرد که اگر دانشجویان متأثر از مفهوم ته‌مایه‌های اعتقادی دینداری مثلا عوامل اجتماعی جامعه‌پذیرساز همخوان با رویه‌های معرفتی دین نهادی به نحوی بسیار مثبت عبور کرده باشند، به احتمال فراوان در برخورد کمتر چالش برانگیز خود با عوامل دیگر نیز از سیطره ارزش‌های دین نهادی حمایت و با تصویری خوشایند بر اعتقادات و باورهای دین نهادی تأکید و به دینداری خدامحور عمل می‌کنند. در غیر این صورت، به احتمال فراوان دانشجویان استراتژی بازتعریف مبانی اعتقادی دین نهادی را در پیش خواهند گرفت و به دینداری انسان‌محور عمل خواهند کرد؛ در صورت اقدام به مناسک و اعمال ناهمخوان با استراتژی اعتقادی عمل آن‌ها مغالطه دینداری است.

اما فایده ارائه مدل شبه فرآیندی در تحلیل مضمون چیست؟ این مدل خواننده را از دام مفهوم و چرخه مضمونی خارج و نزدیکترین حدس‌های جهت‌دهی نظری را به پدیده مورد تحقیق به دست می‌دهد و محققان و خوانندگان با استفاده از آن می‌توانند به جست و جوی نظری پدیده اقدام کنند. همچنان‌که در مدل ارائه شده مشاهده می‌شود گرایش به یک مضمون و یا جست جوی یک مضمون جایگزین ممکن است به تغییر معنایی گسترده از پدیده منجر شود.

بحث و نتیجه‌گیری

سوال مهم تحقیق این بوده است که آیا با وجود خوانش‌های متفاوتی که از دینداری جوانان ایرانی، خصوصاً دانشجویان ارائه شده است می‌توان یک اشتراک مفهومی فراگیر در تفسیر دانشجویان از دینداری‌شان ارائه کرد؟ پیش از هر چیزی لازم به ذکر است که این تحقیق با مشارکت و همکاری بسیار خوب دانشجویان همراه شد. در حقیقت اهمیت مسئله دینداری برای آنها به حدی بود که مشارکت بسیار خوبی در روند تحقیق داشتند.

هرچند مفهوم‌سازی به معنای خط‌کشی صد درصدی از مضمون پدیده مورد نظر نیست اما به صورت کلی و بدون هیچ توضیح دشواری باید گفت مفهوم اصلی این تحقیق یعنی برساخت اعتقادی تعدیل پذیر به مثابه مضمون مشترک دینداری دانشجویان گویای کشف این مقوله و موفقیت این تحقیق است. شناسایی این مقوله محوری در فهم مضمون دینداری جوانان دانشجوی ایرانی مختص و ابتکار این تحقیق است.

علاوه بر این نوآوری روشی این تحقیق نیز در نوع خود جالب توجه است. از مزایای خلاقیت روشی پیشنهاد شده این است که با استفاده از تحلیل مضمون ترکیبی می‌توان یافته‌های پربارتر و در عین حال جمع و جورتری ارائه کرد. بکارگیری مدل شبه فرآیندی در این تحقیق بخصوص بهره‌گیری از مدل کلاسیک نظریه زمینه‌ای برای ارائه مدل فرآیندی از یافته‌های تحقیق در عین اینکه یک ابتکار روش‌شناختی است، می‌تواند به عنوان یک بدعت راهگشای نظری و روش‌شناختی تحقیقات آینده نیز باشد.

منابع

- آزاد ارمکی، ت. و زارع، م. (۱۳۸۷)، دانشگاه، مدرنیته و دینداری، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی (ویژه نامه پژوهش های اجتماعی)*، دوره ۸، شماره ۱، ۱۳۳-۱۶۰.
- آزاد ارمکی، ت. و غیاثوند، ا. (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی دینداری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دینداری، *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۳۵، ۱۱۷-۱۴۸.
- توسلی، غ. و مرشدی، ا. (۱۳۸۵)، بررسی سطح دینداری و گرایش‌ها دینداری جوانان، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۷، شماره ۴، ۹۶-۱۱۸.
- حسن‌پور، آ. (۱۳۹۳)، گونه‌شناسی دینداری شهر اصفهان، *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۵۶، شماره ۷، ۱۷-۳۹.
- حسن‌پور، آ. (۱۳۹۴)، مطالعه دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دینداری خود مرجع، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۸، شماره ۳، ۹۹-۱۳۱.
- سراج زاده، ح.، شریعتی، س. و صابر، س. (۱۳۸۳)، بررسی میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی فردوسی مشهد*، شماره ۴، ۱۰۹-۱۴۲.
- شجاعی‌زند، ع. (۱۳۸۴)، مدلی برای سنجش دینداری در ایران، *علوم اجتماعی: جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۶، شماره ۱، ۳۴-۶۶.
- شجاعی‌زند، ع.، شریعتی، س. و حبیب‌زاده، ر. (۱۳۸۵)، بررسی وضعیت دینداری بین دانشجویان، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۷، شماره ۲، ۵۵-۸۲.

- شریعتی مزینانی، س.، و غلامرضا کاشی، ش. (۱۳۹۴)، سیالیت و مناسک دینی (مطالعه موردی زیارت مزار سهراب سپهری)، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۸، شماره ۳، ۶۱-۹۷.
- ذوالفقاری، ا. (۱۳۸۹)، رابطه میزان دینداری (الزام دینی) با نوع دینداری، *فصل نامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۹، ۶۷-۱۰۳.
- فراستخواه، م. (۱۳۸۶)، نمایی از دین‌ورزی طبقات متوسط شهری (خلاصه‌ای از مطالعه موردی درباره مراسم دهه محرم در تهران)، <http://farasatkah.blogspot.com/>، (۱۳۹۸/۱۲/۱۸).
- کلاهی، م. ر. (۱۳۹۰)، دینداری و جهانی‌شدن، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۷، شماره ۲۴، ۶۵-۹۳.

- Fromm, Erich. (1950), *Psychoanalysis and Religion*, New Haven.
- Barbour, I. G. (1990), Religion in an Age of Science (p. 208), *San Francisco: Harper & Row*.
- Barbour, I. G. (1966), *Issues in science and religion*.
- Hanegraaff, W. J. (2000), New age religion and secularization), *Numen-leiden*, 47(3), 288-312.
- Glock C. and Stark , R. (1970), Religion and Society in Tension), *US, Rand*.
- Hick, John Harwood. (1985), Problems of religious pluralism, *Springer* .
- Corbin, J., & Strauss, A. (1994), Grounded theory methodology, *Fernuniversität in Hagen (Handbook of qualitative research)*, 17, 273-285.
- Varga, Ivan. (2007), Georg Simmel: religion and spirituality, *A sociology of spirituality*, 145-160.